



این شماره تقدیم میشود به
سر لشکر بسیجی شهید محمد شیرازی
 رئیس دفتر نظامی فرمانده
 معظم کل قوا که در حمله
 موشکی آمریکایی-صهیونی
 در نهم اسفند به شهادت رسید.



ویژه دفاع مقدس
مردم ایران
 در برابر آمریکا و رژیم صهیونی



صدای ایران

روزنامه اینترنتی
KHAMENEI.IR
 شنبه ۱۶ اسفند ۱۴۰۴

فارسی | KHAMENEI.IR
 @Khamenei_fa

ان شاء الله دشمن و متجاوزین، در رأس
 همه‌ی آنها آمریکای طمّاع و جنایت‌کار،
 مجبور خواهند شد دست از سر مردم منطقه
 و ملت‌های منطقه بردارند و با ذلت از این
 منطقه ان‌شاء الله خارج بشوند. ۱۴۰۳/۱۲

آغاز هفته دوم دفاع مقدس و برخورد دشمن به دیوار سفت واقعیت

جهنم منطقه‌ای

سرمقاله



جنگ تحمیلی علیه ایران وارد هفته دوم خود شده است. جنگی که با تهاجمی همه‌جانبه و ترور رهبر معظم انقلاب اسلامی آغاز شد و دشمن گمان می‌کرد می‌تواند ظرف ۴۸ ساعت، به هدف خود رسیده و رؤیای ۴۷ ساله از بین بردن جمهوری اسلامی و به دنبال آن تجزیه ایران را عملی سازد. اما در عمل اتفاق دیگری رخ داد. درحالی‌که فرمانده کل قوا و جمعی از فرماندهان ارشد نظامی به شهادت رسیده بودند، اما زنجیره کنترل و فرماندهی براساس پیش‌بینی‌ها و برنامه‌ریزی‌های قبلی نه تنها از هم نپاشید بلکه نبردی جانانه و همه‌جانبه را در سطح منطقه‌ای کلید زد.

نبردی که نه تنها سرزمین‌های اشغالی بلکه کل پایگاه‌های آمریکا در منطقه را زیر آتش گرفت و در پایان هفته نخست به جرأت می‌توان گفت، اغلب زیرساخت‌های نظامی آمریکا در کشورهای حاشیه خلیج فارس و حتی فراتر از آن، مورد اصابت موشکی و پهپادی قرار گرفت. چشم پدافندی آمریکا در منطقه تقریباً کور شده است و این کورشدگی باعث شده است تا شلیک‌ها به سرزمین‌های اشغالی با سهولت بیشتری انجام شود و خبری از هشدار در مناطق مورد هدف نباشد.

حمله به پایگاه‌های آمریکا در کشورهای منطقه از مشروعیت کامل برخوردار است و هیچ‌کس نمی‌تواند این حملات را زیر سوال برده و محکوم کند. چراکه این پایگاه‌ها عملاً خطوط نبرد دشمن هم در حوزه آفتند و هم پدافند هستند و کشورهای مذکور اگر می‌خواهند موشک‌ها و پهپادهای ایرانی را در آسمان خود نبینند باید در عمل و به‌طور واقعی، متجاوزان به ایران را از خاک خود بیرون کرده و اجازه استفاده آمریکا و رژیم صهیونیستی از آسمان خود را نیز ندهند. واقعیت آن است که ایران با شجاعت و درایت، مدیریت میدان را در دست دارد. دشمن قصد داشت همزمان با حملات اولیه، آشوب خیابانی را در کشور کلید بزند اما مردم با حضور مستمر و هوشمندانه خود در تمام شهرها و حمایت از مدافعان وطن، این نقشه را خنثی کردند. سپس سراغ گروه‌های تروریستی در شمال عراق رفتند و حتی ترامپ با سران آنها نیز هماهنگی‌هایی را شخصاً انجام داد اما این تروریست‌ها نیز قبل از هرگونه اقدام و حرکتی، با اقدام پیش‌دستانه و مقتدرانه، سر جای خود نشستند و خطر آنها خنثی شد. تنگه هرمز به‌عنوان شاهراه حیاتی انرژی جهان نیز به دلیل شرایط جنگی و ناامنی تحمیلی اکنون تحت نظارت و کنترل کامل ایران قرار دارد. کنترلی که اثرات آن بر بازارهای انرژی آشکار شده و با تداوم تجاوز دشمن، بیشتر هم خواهد شد. موضوع از چنان اهمیتی برخوردار بود که ترامپ شخصاً موضوع بیمه نفتکشها و حتی اسکورت نظامی آنها را مطرح کرد اما خود آنها بهتر می‌دانند که این طرح‌ها چیزی بیش از گفتاردرمانی نبوده و هیچ اثری بر واقعیت میدان نداشته و در حوزه قیمت‌های انرژی نیز مانع از افزایش قیمت‌ها نخواهد شد.

واقعیت آن است که دشمن پس از خوردن به دیوار سفت واقعیت و تحمل ضربات سنگین و مرگبار که سعی در سانسور و مدیریت رسانه‌ای آن دارد، به حیله و عملیات روانی روی آورده است. مواضع توخالی و تهدیدآمیز، اغراق در توان و موقعیت خود در میدان نبرد، سعی در ایجاد شکاف و انشقاق در میان مسئولان و بخصوص مردم و دروغ‌گویی‌های متعدد درباره وضعیت انسجام داخلی نظام در سطح سیاسی و نظامی از جمله محورهای این حیله‌هاست. اما ایران واقعی چیز دیگری است. از یک سو این مردم وفادارند که هر روز و شب از مساجد گرفته تا میادین و خیابان‌ها را غرق در حضور حماسی خود می‌کنند و از سوی دیگر برق فرود شمشیر گداخته نیروهای مسلح است که بی‌وقفه در سرزمین‌های اشغالی و پایگاه‌های آمریکا در منطقه فرود می‌آید. دشمن با خباثی تاریخی، خون‌رهبری جاودانه را بر زمین ریخته است و اگر خیال می‌کند این مردم خشمگین و جان‌برکفان رهبر شهید و مدافعان وطن او را رها می‌کنند، باید بداند سخت در اشتباه است. ■



ما با تو عزیز، محترم و شجاع شدیم، با تو توانستیم، با تو سرشار از آرمان شدیم، با تو پایدار ماندیم، با تو معنای متعالی در زندگی را یافتیم، با تو حقیقت توکل بر خدا را درک کردیم و ایمانمان را نو کردیم، با تو ایرانی‌تر شدیم، با تو

فهمیدیم چقدر زبان فارسی ما شهدآمیز است، با تو پرچم سه رنگمان را چون جان داشتیم، آقا با تو عاشق تلاوت قرآن شدیم، با تو شیدای شعر شدیم و دست آخر با شهادت تو عاشق شهادت شدیم.

آخرین صحبت یک هموطن ایرانی خطاب به رهبر شهید انقلاب اسلامی

جنگ منطقه‌ای

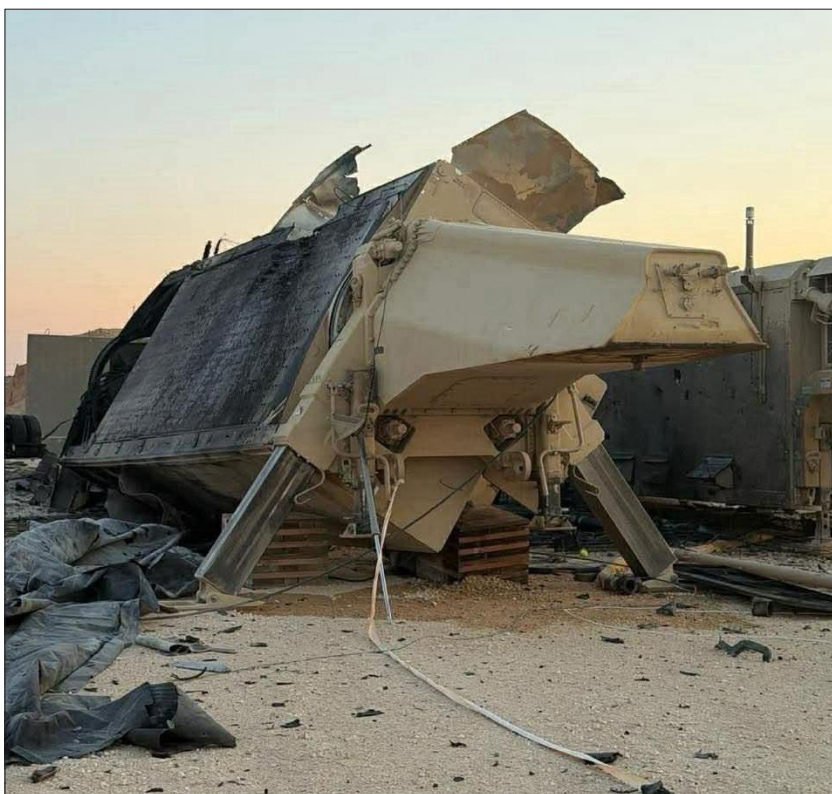
جنگ روانی در مرزهای غربی

در روزهای گذشته، یکی از محورهای اصلی جنگ روانی علیه ایران، ادعای فعال شدن هسته‌های تجزیه‌طلب در غرب کشور بود؛ روایتی که عمدتاً از سوی رسانه‌های آمریکایی و اسرائیلی برجسته شد. در این روایت‌ها حتی ادعا شد گروه‌های مسلح مستقر در اقلیم کردستان وارد خاک ایران شده‌اند و تهاجم زمینی را آغاز کرده‌اند؛ خبری که به سرعت در فضای رسانه‌ای باز نشر شد. بررسی‌های میدانی و گزارش‌های بعدی نشان داد چنین ادعاهایی بیش از آنکه واقعیت میدانی داشته باشد، بخشی از یک عملیات روانی سازمان‌یافته بوده است. حتی برخی از همین گروه‌های مسلح، با وجود دشمنی دیرینه با تهران، اعلام کردند قصد ورود به درگیری جاری را ندارند و ترجیح می‌دهند اقلیم را از شعله‌های این جنگ دور نگه دارند. در سوی دیگر، نیروهای مسلح ایران نیز از ماه‌ها قبل احتمال چنین سناریویی را پیش‌بینی کرده و برای آن طرح‌های دفاعی چندلایه تدارک دیده‌اند. علاوه بر این، دولت عراق نیز اعلام کرده اجازه نخواهد داد از خاک این کشور اقدامی علیه همسایگانش صورت گیرد. در مجموع، هرچند تهدید فعالیت گروه‌های تجزیه‌طلب سابقه‌ای طولانی دارد، اما واقعیت میدانی نشان می‌دهد آنچه در برخی رسانه‌ها به‌عنوان بحران فوری تصویر شد، بیش از هر چیز بخشی از جنگ روایت‌ها در میدان رسانه‌ای است.

قاب

کور شدن یکی دیگر از چشم‌های آمریکا در منطقه

نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در حمله به پایگاه هوایی (موفق السلطی) اردن، سامانه راداری پیشرفته آمریکا را که بخش حیاتی سامانه ضد موشکی تاد محسوب می‌شد، منهدم کرد. این رادار برای شناسایی وردیابی موشک‌های بالستیک در برد بلند استفاده می‌شد.



تحلیل

درخشش اراده ملی در خیابان

در روزهای جنگ، معمولاً نگاه‌ها به موشک‌ها، تجهیزات نظامی و خطوط درگیری معطوف می‌شود. اما آنچه کمتر در قاب تحلیل‌ها دیده می‌شود، نیرویی است که پشت همه این صحنه‌ها ایستاده است: مردم. واقعیت این است که قدرت واقعی یک کشور در لحظات سرنوشت‌ساز، تنها در زرادخانه‌ها تعریف نمی‌شود؛ بلکه در اراده جمعی جامعه و عزم راسخ ملی شکل می‌گیرد. این شب‌ها در بسیاری از شهرهای ایران، صحنه‌هایی رقم می‌خورد که از آگاهی و عزم ملی حکایت دارد. مردمی که در ظاهر در میدان نظامی حضور ندارند، در خیابان‌ها گرد هم می‌آیند و با حضور خود، عزم و ایستادگی و تسلیم‌ناپذیری خود را نشان می‌دهند. در میان این جمعیت‌های انبوه مردمی، مادری دیده می‌شود که فرزندش را خوابانده و به جمع مردم پیوسته است؛ کاسبی که کارش را رها کرده تا سهمی در این حضور داشته باشد و دانش آموزی که در کنار دیگران ایستاده و بخشی از این روایت جمعی شده است. این تصویرها، معنای پشتیبانی اجتماعی از یک نبرد را توضیح می‌دهد. موشک‌ها را اپراتورها شلیک می‌کنند، اما اراده شلیک، از دل همین مردمی برمی‌خیزد که با عزم راسخ در میدان ایستاده‌اند. تا زمانی که خطر پابرجاست، خیابان نیز نباید خالی بماند. سرنوشت ملت را عزم و اراده ملی تعیین می‌کند.